

تأثیر اتخاذ تدابیر پیشگیرانه وضعی بر وقوع سرقت از اماکن

تاریخ دریافت: ۹۳/۵/۵

تاریخ پذیرش: ۹۳/۹/۱۴

از صفحه ۵۱ تا ۷۲

مسعود قاسمی^۱، حمیدرضا علی پور^۲

چکیده

پدیده سرقت، امنیت اجتماعی و اقتصادی شهروندان را تهدید می‌کند. این پدیده که به نوعی با نظم و امنیت کشور در ارتباط است، به لحاظ وارد ساختن آسیب‌های روحی و جسمی به مالباختگان، باعث ایجاد ناامنی در جامعه می‌شود. افزایش رو به رشد جرم سرقت از اماکن به عنوان یکی از انواع اعمال مجرمانه سارقان در جامعه و لزوم مبارزه با آن، می‌طلبد پیشگیری از جرم را مد نظر قرار داده تا شاهد کاهش وقوع این جرم در سطح جامعه باشیم. تحقیق حاضر با هدف پیشگیری وضعی از انواع سرقت (منزل و مغازه) در شهر کرمانشاه و در سال ۱۳۹۰ که جزء جرایم شایع و شناخته شده در این حوزه بوده، تدوین شده است. این پژوهش از نظر هدف و ماهیت، کاربردی و از نظر روش اجراء، توصیفی - تحلیلی از نوع پیمایشی است. روش نمونه‌گیری، تصادفی ساده و جامعه آماری تعداد ۱۹۲ نفر از مالباختگان سرقت منزل و مغازه است. ابزار گردآوری داده‌های این پژوهش، پرسش‌نامه محقق ساخته است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد اتخاذ تدابیر و تکنیک‌های پیشگیرانه وضعی بر کاهش وقوع سرقت از اماکن مؤثر بوده و از میان انواع تکنیک‌ها، به کارگیری تدابیر فیزیکی (محیطی) پیشگیرانه وضعی، مؤثرتر از تدابیر فردی (انسانی) و دولتی (اجتماعی) است. از این رو، از نظر مالباختگان مهم‌ترین عامل وقوع سرقت از اماکن (منزل و مغازه)، رعایت نکردن اصول ایمنی از جمله استفاده نکردن از قفل و بست مناسب، دزدگیر، آژیر خطر، گاو صندوق، دوربین مداربسته، نگهبان؛ دور بودن از گشت‌های پلیسی و مراکز انتظامی و همچنین خالی بودن اماکن مسکونی از حضور سکنه است که با اتخاذ تدابیر پیشگیرانه وضعی می‌توان از وقوع آنها جلوگیری کرد.

کلید واژه‌ها

سرقت از اماکن، پیشگیری وضعی، جرم، تکنیک‌های پیشگیری، تدابیر پیشگیری

۱. دانشجوی دوره دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه مازندران
(نویسنده مسئول: md.ghasemi@yahoo.com).

۲. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم‌آباد.

مقدمه

سرقت از اماکن به عنوان یکی از جرایم رو به رشد، توجه متولیان پیشگیری از جرم را به خود جلب نموده است. در همین چارچوب، توجه به برنامه‌ها و سیاست‌هایی که بتواند موجبات کاهش سطح بزهکاری و وقوع این جرم را فراهم آورد، اولین درخواست و اقدام اکثر کشورها است. با توجه به سابقه اعمال سیاست‌های پیشگیری از جرم در کشورهای مختلف مشاهده می‌شود که اکثر این کشورها از طریق برنامه ریزی‌های اجتماعی و فرهنگی و اجرای متمرکز آن‌ها بر شخصیت افراد جامعه و مشارکت دادن تمام نهادها، سازمان‌ها و افراد اجتماع، سعی در پیشگیری از وقوع جرایم دارند. از این رو، سازمان‌ها و ارگان‌های مسئول در زمینه برقراری نظم و امنیت، بیش از پیش موظف می‌شوند که از تمامی توان، ظرفیت و امکانات موجود برای حفظ و برقراری نظم و امنیت اجتماعی بهره برداری کنند.

اصطلاح پیشگیری از جرم در بسیاری از متون رسمی، قوانین و آیین نامه‌ها کشور آمده است و مراجع مختلفی هم در اجرای این سیاست وظایفی را عهده دار شده‌اند. نیروی انتظامی به عنوان یکی از نهادهای دولتی تاثیرگذار در امر پیشگیری، براساس بند ۸ ماده ۴ قانون ناجا، عهده دار پیشگیری انتظامی از جرم است. اما وظیفه پلیس در بحث پیشگیری، محدود به این سطح از پیشگیری نیست؛ بلکه براساس بند ۱۸ از ماده ۴ قانون ناجا، پلیس همگام با سایر سازمان‌ها و در تعامل جدی با آنها زمینه‌های اقدامات فرهنگی و اجتماعی را در جهت کاهش جرایم فراهم می‌آورد (رجبی پور، ۱۳۸۸: ۱۲۰).

پدیده سرقت از اماکن، که موضوع مورد بحث این پژوهش به عنوان متغیر وابسته است، یکی از آسیب‌های اجتماعی است که از یک سو امنیت شهروندان را به مخاطره می‌اندازد و از سوی دیگر بر نگرش مردم پیرامون کارایی و توانمندی نیروی انتظامی تاثیر می‌گذارد؛ چه، شهروندان یک جامعه اماکن خویش را در زمره خصوصی‌ترین بخش‌های زندگی خویش می‌دانند و لاجرم دستبرد به بخش خصوصی زندگی خود و حتی حیثیت روانی و اجتماعی خود می‌دانند. از همین روی، آنان همواره انتظار دارند که نیروی انتظامی شرایطی را فراهم سازد یا اقداماتی را انجام دهد تا اماکن آنان را از دستبرد سارقان در امان دارد. نیروی انتظامی نیز براساس اهمیت موضوع همواره

بخشی از توان و انرژی خویش را معطوف پیشگیری از سرقت اماکن نموده است (ریسی وانانی، ۱۳۸۳: ۱۳). البته پیشگیری موفقیت آمیز و سودمند از جرم، به مشارکت و همکاری بین شهروندان و نهادهای دولتی وابسته است. دولت‌ها باید تلاش نمایند تا به صورت عادلانه و با رعایت حقوق مدنی، از جرم پیشگیری کنند. در عوض، اشخاص و سازمان‌ها نیز باید بعضی از مسئولیت‌های پیشگیری از جرم را بر عهده گیرند.

پیشگیری وضعی یا موقعیت مدار به عنوان راهکار جدید پیش‌گیرنده از بزهکاری و جانشین گونه‌های متعارف پیشگیری از جرم، ناظر به تغییر اوضاع، احوال و شرایطی است که احتمال ارتکاب جرم در آن زیاد است (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۸۶). ارائه دهندگان نظریه پیشگیری وضعی معتقدند که هدف پیشگیری اجتماعی از بین بردن عوامل خطر جرم است، اما در عمل هیچ‌گاه نمی‌توان به حالتی رسید که تمام اقدامات پیشگیرانه اجتماعی به نتیجه برسد و دیگر هیچ بزهکار یا بزه دیده جدیدی به سطح جامعه اضافه نشود. لذا، تکنیک‌های پیشگیری وضعی که به منظور دشوار کردن، خطر کردن یا جاذبه زدایی ارتکاب جرم به کار می‌روند در ابتدا مورد استقبال بازار امنیت خصوصی و شرکت‌های بیمه قرار گرفت و پس از آن مقامات دولتی از جمله پلیس از آن استقبال کردند. لذا اکنون کمتر مکان خصوصی آزاد برای عموم است که از مراقبت و نظارت انسانی یا مراقبت از طریق فناوری بهره نبرد. این فناوری برای پیشگیری از جرایم اموال در اماکن بسته و نسبت به بزهکاران اتفاقی و سارقان اماکن مؤثر است.

ضرورت و اهمیت بررسی تأثیر اتخاذ تدابیر پیشگیرانه وضعی بر وقوع سرقت از اماکن در حالت اول، مورد آزمایش قرار دادن تدابیر عینی و تکنیک‌های بالقوه مؤثر بر ایجاد مانع بر سر راه سارقان منزل و مغازه در بوته عمل است. در حالت دوم، به منظور کارایی بیشتر، ترکیب و اولویت اتخاذ تدابیر پیشگیرانه وضعی مشخص و در حالت سوم، پلیس به عنوان یکی از نهادهای دولتی متولی پیشگیری از جرم، راه حل‌های پیشگیرانه مناسب نسبت به جرم سرقت اماکن را پیدا خواهد کرد. در این حالت، پیدا کردن نقاط ضعف مردم و ارائه راهکارهای کاربردی و عملی جهت حفاظت بیشتر از اموال و اماکن مسکونی و تجاری خود در جهت کاهش آسیب‌های بعدی ناشی از

سرفت، یکی از دغدغه‌های پلیس در امر مبارزه با جرایم است. هدف اصلی در این پژوهش شناخت پدیده سرقت از اماکن، شناخت اصول و قواعد ایمنی و پیشگیرانه از این نوع سرقت، نهادینه کردن مراقبت از اماکن و بالا بردن سطح آگاهی مردم در جهت پیشگیری از وقوع آن است. به همین منظور تکنیک‌های پیشگیرانه وضعی که در این خصوص به کار گرفته می‌شود و تحقیق براساس آن پایه‌ریزی شده است، بر سه گونه تدبیر فردی (انسانی)، فیزیکی (محیطی) و دولتی (اجتماعی) است.

پیشینه تحقیق

در بحث پیشگیری از سرقت و راه‌های مقابله با آن، کتاب‌های مختلفی تألیف و تحقیقات متعددی انجام شده که چکیده‌ای از مهم‌ترین آن‌ها که مرتبط با سرقت منزل و مغازه و تأثیر پیشگیری وضعی و استفاده از فناوری برای مهار سرقت بوده است به شرح ذیل بیان می‌شود:

گل‌محمدی‌خامنه (۱۳۸۴ و ۱۳۸۵) در دو کتاب خود تحت عناوین «پیشگیری از جرایم» و «مدیریت پیشگیری از جرایم» به انواع پیشگیری، پیشگیری در قوانین داخلی و ناجا و جدیدترین تکنیک‌های پیشگیری وضعی و اجتماعی و مکاتب جرم‌شناسی، رابطه جرم‌شناسی و پیشگیری از جرم، پیشرفت‌های فناوری و آثار آن در پیشگیری از جرایم، چالش‌ها و مشکلات ناجا، نقش قوه قضائیه و ناجا در کاهش عوامل جرم‌زا پرداخته است.

رسولی (۱۳۸۵) پایان‌نامه خود را تحت عنوان «بررسی راه‌های پیشگیری از سرقت منزل از دیدگاه کارآگاه‌های پلیس آگاهی همدان» ارائه کرده است. اهداف این تحقیق، شناخت عملی وضعیت سرقت منزل در همدان و راه‌های پیشگیری از وقوع سرقت به کمک برنامه‌ریزان بود.

شایسته زرین (۱۳۸۶) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که مکان و زمان با وقوع سرقت رابطه مستقیم دارد و انواع سرقت در بخش مرکزی شهرها انجام می‌گیرد و با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی می‌توان در مکان یابی و پیشگیری از سرقت اقدام کرد.

محمدنسل (۱۳۸۷) در کتاب خود تحت عنوان «پلیس و سیاست پیشگیری از جرم» به مبانی نظری و تکنیک‌های انواع پیشگیری و رویکردهای عملی پلیس در پیشگیری از جرایم از جمله پیشگیری وضعی پرداخته است.

الماسی (۱۳۸۹) مقاله ای تحت عنوان «پیشگیری وضعی از سرقت اموال دولتی (مطالعه موردی سرقت کابل‌های برق شهرستان خرم‌آباد ۱۳۸۵-۱۳۸۶)» نوشته و با استفاده از آخرین شیوه‌های پیشگیری وضعی به این نتیجه رسید که وزارت نیرو و شرکت‌های برق در صورت اجرا کردن برنامه‌های پیشگیرانه و اصلاح طراحی غلط محیطی شبکه‌های برق رسان می‌توانند به طور قطعی از وقوع این سرقت پیشگیری کنند.

نوروزی، بارانی و سرکشکیان (۱۳۹۰) در کتاب خود با عنوان «پیشگیری از جرم، از نظریه تا عمل با تأکید بر نقش پلیس» به رویه‌ها و برنامه‌های پلیسی موقعیت‌مدار و پیشگیرانه وضعی اشاره کرده و نقش پلیس در این موقعیت را پررنگ دانسته اند.

افراسیابی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «از طبقه بندی بزهکاران تا طبقه بندی تکنیک‌های پیشگیری وضعی از جرم» به این نتیجه رسیده است که برای بزهکاران می‌توان یک گونه شناسی سه گزینه ای ارائه کرد. نخستین طبقه از بزهکاران، بزهکاران متجاوز یا مزمن اختصاص دارد که سبک زندگی جنایی را در پیش گرفته و ریسک بالایی دارند. طبقه دوم بزهکارانی معمولی هستند که سبک زندگی قانونی را در پیش گرفته اند و برای پیشگیری از جرایم آنها لازم است از تکنیک‌های پنج گانه مبتنی بر حذف عوامل توجیه کننده رفتار جنایی استفاده کرد. در طبقه سوم، بزهکاران تحریک شده‌اند که با ورود به وضعیت پیش جنایی به ارتکاب جرم تحریک می‌شوند و برای پیشگیری باید از تکنیک‌های پنج گانه مبتنی بر کاهش محرک استفاده کرد.

کلارک^۱ (۱۹۹۲) براساس مطالعات خود، توسعه و تکامل تکنیک‌های پیشگیری از جرم، در سه مرحله قابل تحلیل دانسته است. در مرحله نخست، تکنیک‌های پیشگیری از جرم، تحت عنوان تکنیک‌های دوازده گانه کلارک مبتنی بر افزایش

1- Clarke

تلاش، افزایش خطرات و کاهش منافع حاصل از جرم ارائه شد (ص ۳۱). در مرحله دوم، مطالعات براساس نظریه فنون خنثی سازی دیوید متزا شکل گرفت. در این مرحله چهار تکنیک دیگر تحت عنوان تکنیک‌های مبتنی بر حذف توجیه کننده‌ها بر جدول طبقه بندی سابق اضافه شد (کلارک، ۱۹۹۷: ۹). در مرحله سوم، که به دنبال نظریه پردازی‌های ریچارد ورتلی صورت گرفت، تکنیک‌های ارائه شده کلارک و ورتلی با یکدیگر ترکیب و یک نظام طبقه بندی بیست و پنج گانه ارائه شد (کرنیش و کلارک، ۲۰۰۳: ۹۰).

مبانی نظری تحقیق

پیشگیری وضعی یا موقعیت مدار به عنوان راهکار جدید پیشگیری از بزهکاری و جانشین گونه‌های متعارف پیشگیری از جرم - به ویژه پیشگیری اجتماعی که به نظر برخی جرم شناسان کارنامه نامطلوبی از خود به جای گذاشته است - در اواخر دهه ۱۹۷۰ توسط رونالد کلارک و تنی چند از همکارانش مطرح و نظریه پردازی شد و عمدتاً در انگلستان به اجرا درآمد (صفاری، ۱۳۸۰: ۲۹۰). کلارک پیشگیری وضعی را تدابیر و روش‌هایی تعریف می‌کند که برای کاهش فرصت شکل خاصی از جرم استفاده شده و نیازمند طراحی و مدیریت محیط مستقیم (صحنه و محل وقوع جرم) یا همان نظارت هر چه پایدارتر و سازمان یافته تر بر محل وقوع جرم است؛ به گونه‌ای که سختی و خطر اقدام برای ارتکاب جرم را افزایش داده و سودانگاری مجرمانه را پایین آورد. پیشگیری وضعی، شامل مسؤل کردن کل جامعه در قبال اعمال مجرمانه و خطر بزه دیده شناختی می‌شود؛ به گونه‌ای که اعضای آن در مراقبت از خود و اموال خود مشارکت کنند (کاری‌یو، ۱۳۸۳: ۲۱). پیشگیری وضعی، با حمایت از آماج‌های جرم و بزه دیدگان بالقوه و اعمال تدابیر فنی درصدد جلوگیری از بزه‌دیدگی افراد (آماج) در برابر بزهکاران است که نتیجه آن به‌طور غیرمستقیم کاهش بزهکاری خواهد بود.

کلارک در سال ۱۹۹۳ فنون پیشگیری وضعی را در سه دسته ارائه و ۱۲ فن را برای پیشگیری از انواع جرایم در نظر گرفت و هر یک از این سه دسته، خود به چهار فن تقسیم می‌شدند: دسته نخست، افزایش تلاش برای جلوگیری از ارتکاب جرم که

شامل چهار تکنیک است: سخت کردن آماج جرم، کنترل دسترسی به آماج جرم، منحرف کردن بزهکاران از آماج جرم، کنترل وسایل تسهیل کننده جرم. دسته دوم، تدابیر افزایش خطرهای جرم که خود چهار تکنیک زیر را در بر می گیرند: کنترل ورودی‌ها و خروجی‌ها، نظارت رسمی، نظارت به وسیله کارکنان و بالاخره نظارت طبیعی. هدف دسته سوم، کاهش منافع قابل پیش بینی حاصل از جرم با از دسترس خارج کردن آماج جرم، مشخص کردن اموال، کاهش وسوسه و نهایتاً از بین بردن منافع است (محمدنسل، ۱۳۸۶: ۴۷). بعد از چند سال، کلارک و هومل دوازده تکنیک اولیه را اصلاح کردند و با اضافه کردن دسته دیگری تحت عنوان «از بین بردن بهانه» آن‌ها را به ۱۶ تکنیک افزایش دادند. این امر موجب شد که تدابیر وضعی به جرایم از جمله سرقت اموال محل کار توسط کارکنان تعمیم پیدا کند. در ادامه و در پاسخ به انتقاد ورتلی از پیشگیری وضعی از جرم، کورنیش و کلارک تکنیک‌ها را با اضافه کردن دسته پنجمی تحت عنوان «کاهش تحریک‌ها» به ۲۵ تکنیک افزایش داده و برخی اصطلاحات دیگر را در دسته بندی تکنیک‌ها اعمال کردند (محمدنسل، ۱۳۸۶: ۴۸).

جرم شناسان برای تبیین رویکرد پیشگیری وضعی نظریه فرصت را مطرح کرده‌اند. این نظریه برای تبیین چگونگی فراهم شدن زمینه رویداد جنایی و فرایند گذار اندیشه به عمل مجرمانه، به معرفی دو الگو می پردازد: یکی الگوی نوع فعالیت روزمره افراد و دیگری الگوی سبک و شیوه زندگی افراد است. الگوی «فعالیت روزمره» بر این پایه استوار است که جهت وقوع یک جرم، سه عنصر: ۱- بزهکار بالقوه با انگیزه، ۲- بزه‌دیده یا هدف مناسب و ۳- عدم وجود یک محافظ توانمند و کارآمد، باید در یک زمان و مکان با یکدیگر تلاقی کنند، یعنی «ارزش، بی‌کنشی، حجم و دسترسی» مثلاً اشیای با حجم کم و ارزش زیاد که همه کس به آنها دسترسی ندارد و به آسانی می‌توان آن‌ها را جابجا کرد، اهداف مطلوب در جرایم مالی هستند و الگوی «سبک زندگی» که به بررسی مؤلفه‌های مربوط به بزه‌دیدگی شخصی می‌پردازد، این نظریه ارتباط نزدیکی با نظریه فعالیت روزمره دارد و فعالیت روزمره چه در محل کار و چه در اوقات فراغت را لحاظ می‌کند. براساس این نظریه الگوهای عملکرد یا شیوه زندگی اشخاص بر احتمال بزه‌دیدگی آنها تأثیرمی‌گذارد. در واقع، سبک زندگی بیان

می‌کند که احتمال قربانی شدن در یک جرم با میزان قرارگیری فرد در مکان‌ها و موقعیت‌های پرخطر بیشتر می‌شود. نظریه‌های «فعالیت روزمره» و «سبک زندگی» تفاوت‌چندانی با هم ندارد و هر دو گزینش بزهکاری را مدنظر قرار می‌دهند، از ادغام این دو نظریه می‌توان نظریه «فعالیت و سبک زندگی» را ارائه کرد (روزنبام، ۱۳۸۰: ۶۶).

یکی دیگر از ارکان ضروری پیشگیری وضعی، نظریه انتخاب منطقی^۱ است که می‌توان از آن برای طراحی فضای قابل دفاع در طرح کلی پیشگیری وضعی از جرم از طریق طراحی محیطی استفاده کرد. مطابق با این نظریه، چنین فرض می‌شود که بزهکار در انتخاب نوع و مکان ارتکاب جرم به شدت تحت تأثیر محیط اطراف خود بوده و تصمیم منطقی خود را با لحاظ این معیارها انتخاب می‌کند (کورنیش، ۱۹۸۶: ۸۷). بنابراین، بزهکار ضمن محاسبه هزینه ارتکاب جرم (که حتی شامل تلاشی که برای آن صرف می‌کند نیز می‌شود)، نفع ناشی از جرم (پاداش احتمالی) و خطری که با آن فعل متوجه وی می‌شود، به ارتکاب آن اقدام کرده یا از آن خودداری می‌کند (اشنایدر، ۲۰۰۲: ۱۰۶). در نظر گرفتن پیشگیری وضعی و انتخاب منطقی در کنار هم به این نتیجه می‌انجامد که بزهکار در یک جرم خاص سعی می‌کند که نفع جرم بیش از مضرات آن بوده یا نوعی تعادل میان فایده جرم و ریسک ناشی از آن وجود داشته باشد.

در هر صورت آنچه مسلم است، حمایت و حفاظت از آماج‌های جرم مستلزم ایجاد موانع فیزیکی میان بزهکار و آماج جرم است. این موانع، ممکن است منابع انسانی-فردی (کنترل و مراقبت مردم محل، استفاده از نگهبان محله و...) و منابع مادی-فیزیکی (نصب قفل، درهای آهنین، سیستم‌های هشداردهنده و آشکارکننده، حفاظ پنجره‌ها، دوربین‌های نظارتی، چشم‌های الکترونیکی و...) و یا منابع دولتی (عوامل پلیسی، گشت‌های پنهان و آشکار پلیس و...) باشند. در موانع انسانی-فردی، اگر مجرم بالقوه تصور کند که در صورت ارتکاب جرم، مورد نظارت و مشاهده قرار خواهد گرفت- اگرچه به واقع این گونه نباشد- احتمال ارتکاب جرم توسط وی کمتر خواهد

1- Ration Choice Theory.

شد. زیرا وی در «ساز و کار گذار از اندیشه به عمل»، منافع و خطر ارتکاب جرم را می‌سنجد. وی می‌داند که در این مرحله، به علت نظارت بالقوه، احتمال دخالت ساکنان، پلیس و در نهایت دستگیری بالاست، در نتیجه از ارتکاب جرم منصرف خواهد شد (قورچی‌بیگی، ۱۳۸۶: ۱۵۰). در موانع مادی- فیزیکی استفاده از پیشگیری در موقعیت (مکان) جرم، مانند افزایش ریسک و انرژی مورد نیاز برای جرم از طریق دشوار کردن هدف (برای مثال قرار دادن جواهرات در گاو صندوق) و کاستن از پاداش مورد انتظار بزهکار (مانند کم بودن پول در صندوق فروشگاه یا مغازه)، فرصت ارتکاب جرم را کاهش می‌دهد. اما در موانع دولتی، نیروی پلیس به عنوان یکی از موانع میان بزهکار و آماج جرم و بخشی از سیاست تقویت بزه‌دیده، رویداد جنایی را دشوار و با استقرار در فضاهای جغرافیایی معین یا گشت زدن در مکان‌های خاص، وضعیت و شرایط پیش جنایی را به ضرر بزهکار دگرگون و او را از ارتکاب جرم - دست کم در آن محدوده یا نسبت به آن آماج حفاظت شده- منصرف می‌سازد.

جرم سرقت: تحقق جرم سرقت مستلزم انجام فعلی از قبیل ربودن یا ربایش، کش رفتن، برداشتن، بلند کردن و قاپیدن مال دیگری است. قانون گذار در قانون جدید که در تاریخ ۹۲/۲/۱ به تصویب رسیده است، در فصل هفتم و در ماده ۲۶۵، سرقت را چنین تعرف کرده است: سرقت عبارت از ربودن مال متعلق به غیر است.

سرقت از اماکن: سرقت منزل، سرقت مغازه و فروشگاه، سرقت انبار، سرقت بانک، سرقت از ادارات و مؤسسات دولتی، سرقت اماکن عمومی (هتل‌ها، پابانه‌ها، گرمابه و غیره) که در این تحقیق به سرقت از منازل و مغازه‌ها پرداخته می‌شود. چون بیشترین سرقت از اماکن براساس آمارهای موجود در این دو بخش دیده می‌شود.

سرقت از منزل: به ربودن (خارج کردن هر گونه جنس، مال، وسیله نقلیه و هر چیز دیگری از منزل افراد، سرقت منزل می‌گویند که شامل مواردی از قبیل اثاثیه منزل، خودروی داخل منزل، موتورسیکلت داخل منزل، دوچرخه داخل منزل، پول، طلا، جواهر، مدارک شناسایی و... است (رسولی، ۱۳۸۵: ۷). سرقت از اماکن ممکن است به دو شیوه انجام گیرد: الف) سرقت ساده (سرقت عادی) که سارق بدون توسل به زور چیزی را می‌رباید. ب) سرقت با توسل به زور و تهاجم (سرقت جبری) که به صورت

فردی یا دسته جمعی (باندی) اتفاق می‌افتد (رسولی، ۱۳۸۵: ۸).

به‌طور کلی سارقان (از هر گروهی که باشد)، در انجام هر نوع سرقت، از چرخه‌ای خاص تبعیت می‌کند که آن را با انجام یک برنامه‌ریزی دقیق به دست می‌آورند. در صورتی که به نحوی از انحا در این چرخه مشکل ایجاد شود، امکان انصراف از سرقت یا تغییر شیوه و روش انجام آن وجود دارد. این چرخه را به شرح زیر مورد بررسی قرار می‌دهیم: وجود شرایط جسمی و روحی متناسب با سرقت در سارق، اخذ تصمیم، انتخاب محل (با توجه به نوع سرقت)، تعیین زمان انجام سرقت، بررسی راه‌های انجام آن، بررسی حمل اموال مسروقه، انتخاب و جمع‌آوری اموال (پس از ورود به محل)، استفاده از اموال مسروقه یا فروش آن (این چرخه در هر نوبت سرقت انجام می‌گیرد). در سرقت از اماکن، شناسایی و انتخاب محل یکی از مهم‌ترین و دقیق‌ترین کارها برای سارق است. معمولاً سارقان خانه‌های جنوبی را برای سرقت بر می‌گزینند، زیرا بلا فاصله پس از رفع مانع وارد منزل می‌شوند. حال آنکه در منازل شمالی وضع راه ورودی و نفوذ به منزل برای سارقان ناشناخته بوده و خطرات بیشتری برای آن‌ها دارد. البته منازل شمالی که راه فرار و ورودی قابل رؤیت داشته یا سارق از آن‌ها آگاهی قبلی دارد، نیز در معرض سرقت قرار می‌گیرد. خانه خالی، ایده‌آل‌ترین محل برای سارقان منزل است. سارقان به چند طریق از خالی بودن منزل آگاه می‌شوند؛ ساده‌ترین راه اطمینان از خالی بودن منزل، علامت‌گذاری یا زنگ‌زدن‌های متوالی و سؤالی است. اطلاع از وجود اموال نیز از طریق همسایه‌ها که دهان به دهان می‌شود، است.

سرقت از مغازه: در بین اماکن بعد از سرقت منازل، سرقت مغازه‌ها بالاترین آمار را دارد و تجربه نشان داده مغازه‌هایی که اصول حفاظت فیزیکی را رعایت نکرده‌اند، بیشتر توجه سارقان را جلب کرده و در نتیجه مورد دستبرد قرار گرفته‌اند (حامد، ۱۳۸۸: ۶۸). کلیه مغازه‌ها می‌توانند مورد هدف سارقان باشند، اما گروهی از سارقان به سرقت کالا از بعضی از آنها علاقه بیشتری نشان می‌دهند و شگرد آن‌ها، سرقت از این‌گونه مغازه‌ها است. مغازه‌هایی نظیر فرش فروشی، زرگری و طلا فروشی، لوازم صوتی تصویری و خانگی و قطعات یدکی، سارقان را بیشتر تحریک و وسوسه می‌کند. این‌گونه مغازه‌ها بالفعل مورد دستبرد قرار می‌گیرند. در کار سارقان مغازه تنوع فراوانی

وجود دارد و از شگردهای گوناگون برای این کار استفاده می‌کنند. عمل آنان با طرح نقشه قبلی بوده و معمولاً بیشتر اوقات دو یا سه نفری اقدام می‌کنند. ورود به مغازه تعطیل از طریق سوراخ کردن (در یکی از پنج جهت مغازه)، قفل بری، تویی زنی، کانال کولر، پشت تابلو (بالای در ورودی) و گاهی نیز با نقب زدن انجام یا با شکستن شیشه ویتترین مغازه اقدام به سرقت وسایل پشت آن می‌کنند. سرقت اغلب در تاریکی شب صورت می‌گیرد تا کالای بیشتری سرقت شود. با توجه به نوع اجناس موجود در مغازه‌ها، شگردها و شیوه‌های مختلفی مورد استفاده سارقان قرار می‌گیرد.

پیشگیری وضعی از جرم: در خصوص پیشگیری وضعی، تعریف‌ها و برداشت‌های گوناگونی ارائه شده است. تعریف اول: ژرژ پیکا، پیشگیری وضعی را «اقدام به محدود کردن فرصت‌های ارتکاب جرم یا مشکل‌تر کردن تحقق این فرصت برای مجرمین بالقوه می‌داند» (به نقل از میرخلیلی، ۱۳۸۸: ۸۴). تعریف دوم: رونالد کلارک در تعریف پیشگیری وضعی چنین می‌گوید؛ پیشگیری وضعی شامل اقدامات و روش‌هایی است برای کاهش فرصت که به سوی شکل کاملاً خاصی از جرم نشانه می‌رود، متضمن طراحی و مدیریت محیط بلاواسطه (صحنه و محل وقوع جرم) یا همان نظارت و تحت نفوذ در آوردن هرچه پایدارتر و سازمان یافته‌تر محل وقوع جرم است، به طوری که زحمات و خطرات ناشی از اقدام برای ارتکاب جرم را افزایش داده و سود حاصله، به طوری که در نظر اکثر مرتکبان جلوه‌گر می‌شود را کاهش می‌دهد (صفاری، ۱۳۸۰: ۲۹۲). تعریف سوم: مجموعه اقدام‌ها و تدابیری تلقی شده که به سمت تسلط بر محیط و شرایط پیرامونی جرم و مهار آن متمایل است که از یک سو، با کاهش وضعیت‌های پیش‌جنایی یا وضعیت‌های قبل از بزهکاری که وقوع جرم را مساعد می‌کند، صورت می‌گیرد و از سوی دیگر، با افزایش خطر شناسایی و دستگیری بزهکاران بالقوه صورت می‌گیرد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۳: ۱۴۰). تعریف چهارم: نایجل ساوت، در تعریف پیشگیری وضعی چنین می‌نویسد: «پیشگیری وضعی از جرم بر اراده، طراحی و کنترل محیط فیزیکی (ساخته شده)، اتکا دارد به این منظور که فرصت‌های ارتکاب جرم را کاهش داده و یا خطر تعقیب راه، در صورتی که ارباب مؤثر واقع نشود، افزایش دهد» (صفاری، ۱۳۸۰: ۲۹۸). در پایان ارائه تعاریف ذکر شده برای پیشگیری وضعی، به ذکر نظریهٔ ریموند گسن در این زمینه می‌پردازیم؛ ریموند

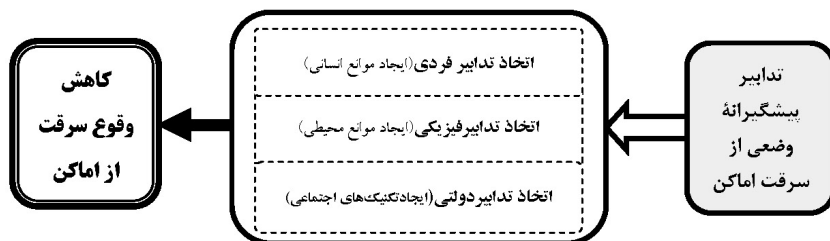
گسن معتقد است که: (با توجه به تعریف‌های ذکر شده) مصادیق و روش‌های علمی پیشگیری از جرم، مدت‌های مدیدی بیش از اینکه تحت این عنوان مشهور شود وجود داشته است، به بیان دیگر به نظر می‌رسد پیشگیری وضعی از جرم، عنوان جدیدی است بر آنچه پلیس یا عامه آن را پیشگیری از جرم می‌نامند (میرخلیلی، ۱۳۸۸: ۱۲۵).

فرضیه‌های تحقیق

۱- استفاده و اتخاذ تدابیر انسانی مورد استفاده در پیشگیری وضعی از جمله مراقبت‌های فردی و نگهداری و... در کاهش وقوع سرقت از اماکن در شهر کرمانشاه مؤثر است.

۲- استفاده و اتخاذ تدابیر فیزیکی پیشگیری وضعی از جمله استفاده از تجهیزات مراقبتی مانند دوربین مداربسته و حفاظت فیزیکی در کاهش وقوع سرقت از اماکن در شهر کرمانشاه مؤثر است.

۳- استفاده و اتخاذ تدابیر اجتماعی پیشگیری وضعی از جمله مداخله پلیس از طریق تعامل با مردم و آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم در کاهش وقوع سرقت از اماکن در شهر کرمانشاه مؤثر است.



نمودار ۱: مدل مفهومی تحقیق

روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش از نظر هدف و ماهیت، کاربردی و از جهت نحوه گردآوری داده‌ها و اجرا توصیفی-تحلیلی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق شامل بزه‌دیدگان مربوط به سرقت منازل و مغازه‌ها در سطح شهر کرمانشاه و در سال ۱۳۹۰ می‌باشد،

باتوجه به حجم زیاد مالباختگان تعداد ۱۹۲ نفر از آنان به صورت تصادفی انتخاب، و پرسش‌نامه پیش‌ساخته محقق در بین آن‌ها، که در سطح حوزه ۱۵ کلانتری موجود در شهر قرار داشتند، تقسیم و پس از اخذ اطلاعات لازم از آنها، جمع‌آوری و سپس به تجزیه و تحلیل اطلاعات پرداخته شد. برای آزمون پایایی پرسشنامه‌ها از روش محاسبه آلفای کرونباخ استفاده شد که بعد از تکمیل و جمع‌آوری پرسشنامه میزان پایایی اندازه‌گیری و مقدار آن ۰/۸۶۶۵ بدست آمد. برای تعیین روایی پرسش‌نامه نیز از روش صوری بر پایه قضاوت داوران و اساتید متخصص و اهل فن استفاده شده است. برای آزمون پایایی پرسشنامه‌ها از روش محاسبه آلفای کرونباخ (با ضریب ۰/۸۶) و برای تعیین روایی پرسش‌نامه نیز از روش صوری بر پایه قضاوت داوران و اساتید متخصص و اهل فن استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

الف) یافته‌های توصیفی: پیمایش‌های صورت گرفته در خصوص پاسخ دهندگان به پرسش‌نامه تحقیق نشان می‌دهد از کلیه پاسخگویان، مردان با ۸۷/۴ درصد و افراد دیپلم و لیسانس با ۶۱/۵ درصد و گروه سنی ۲۶ تا ۳۵ سال با ۳۵/۴ درصد بیشترین پاسخ دهندگان را به خود اختصاص داده اند.

جدول ۱: توزیع درآمد فراوانی سن و تحصیلات

میزان درصد						گویه‌ها
سن						سن
۵۶ به بالاتر	۴۶ تا ۵۵ سال	۳۶ تا ۴۵ سال	۲۶ تا ۳۵ سال	۱۸ تا ۲۵ سال	۸/۳	
۸/۳	۱۶/۷	۳۰/۲	۳۵/۴	۱۸/۳	۸/۳	تحصیلات
فوق لیسانس و بالاتر	فوق دیپلم و لیسانس	دیپلم	سیکل	ابتدایی	بی سواد	
۳/۱	۲۵	۳۶/۵	۲۰/۸	۱۰/۴	۴/۲	

ب) یافته‌های تحلیلی: در این قسمت با استفاده از آزمون آماری به تحلیل هر یک از فرضیه‌های تحقیق با توجه به پرسش‌های مطرح شده در پرسش‌نامه می‌پردازیم.

جدول ۲: توزیع فراوانی و درصد گویه‌های مربوط به فرضیه اول: اتخاذ تدابیر فردی (انسانی)

انحراف معیار	میانگین	میزان درصد					تعداد پاسخ‌های معتبر
		بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم	
۰/۹۲	۴/۳۲	۴۲/۶	۴۰/۵	۱۰/۳	۵/۳	۱/۴	۱۸۹

با توجه به نتایج جدول شماره ۲، می‌توان گفت استفاده از تدابیر انسانی پیشگیری وضعی از جمله مراقبت‌های فردی و نگهداری در کاهش وقوع سرقت از اماکن در شهر کرمانشاه تأثیر زیاد تا بسیار زیادی داشته که از دیدگاه ۸۳/۱ درصد پاسخ‌دهندگان، تأثیرش در حد زیاد تا بسیار زیاد ارزیابی شده است. علی‌رغم اینکه پاسخ‌دهندگان معتقدند که استفاده از تدابیر ایمنی از جمله مراقبت‌های انسانی و تجهیزات مراقبتی در کاهش وقوع سرقت از اماکن در حد زیاد تا خیلی زیاد تأثیر دارد، لیکن فقط تعداد ۲۶/۶ درصد از پاسخ‌دهندگان از تجهیزات ایمنی در منازل یا مغازه خودشان استفاده می‌کنند و ۷۳/۴ درصد نیز از این وسایل استفاده نمی‌کنند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که یکی از دلایل وقوع سرقت، سهل‌انگاری یا بی‌توجهی به استفاده از تجهیزات ایمنی است.

جدول ۳: توزیع فراوانی و درصد گویه‌های مربوط به فرضیه دوم: اتخاذ تدابیر فیزیکی (محیطی)

انحراف معیار	میانگین	میزان درصد					تعداد پاسخ‌های معتبر
		بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم	
۰/۹۲	۴/۰۸	۳۹/۵	۳۹/۲۰	۱۵/۶	۳/۴	۲/۳	۱۹۰

جدول فوق نشان می‌دهد از دیدگاه ۲/۳ درصد از پاسخ‌دهندگان، تدابیر فیزیکی پیشگیری وضعی از جمله استفاده از تجهیزات مراقبتی مانند دوربین مداربسته و حفاظت فیزیکی در کاهش وقوع سرقت از اماکن در شهر کرمانشاه تأثیر بسیار کمی دارد، ۳/۴ درصد اثرش را در حد کم، ۱۵/۶ درصد متوسط، ۳۹/۲۰ درصد زیاد و ۳۹/۵ درصد خیلی زیاد دانسته‌اند. با توجه به نتایج فوق می‌توان گفت استفاده تدابیر فیزیکی پیشگیری وضعی از جمله استفاده از تجهیزات مراقبتی مانند دوربین مداربسته و حفاظت فیزیکی در کاهش وقوع سرقت از اماکن در شهر کرمانشاه تأثیر زیاد تا بسیار زیادی داشته، که از دیدگاه ۷۸/۷ درصد پاسخ‌دهندگان تأثیرش در حد زیاد تا بسیار زیاد ارزیابی شده است.

جدول ۴: توزیع فراوانی و درصد گویه‌های مربوط به فرضیه سوم: اتخاذ تدابیر دولتی (اجتماعی)

انحراف معیار	میانگین	میزان درصد					تعداد پاسخ‌های معتبر
		بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم	
۰/۸۹	۳/۸۴	۲۳/۷	۳۶/۴	۳۰/۴	۵/۶	۳/۹	۱۸۹

جدول فوق نشان می‌دهد از دیدگاه ۳/۹ درصد از پاسخ‌دهندگان تدابیر دولتی پیشگیری وضعی از جمله مداخله پلیس از طریق تعامل با مردم و آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم در کاهش وقوع سرقت از اماکن در شهر کرمانشاه تأثیر بسیار کمی دارد، ۵/۶ درصد اثرش را در حد کم، ۳۰/۴ درصد متوسط، ۳۶/۴ درصد زیاد و ۲۳/۷ درصد خیلی زیاد دانسته‌اند. با توجه به نتایج فوق می‌توان گفت تدابیر اجتماعی پیشگیری وضعی از جمله مداخله پلیس از طریق تعامل با مردم و آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم در کاهش وقوع سرقت از اماکن در شهر کرمانشاه تأثیر متوسط تا زیادی داشته که از دیدگاه ۶۶/۸ درصد پاسخ‌دهندگان تأثیرش در حد متوسط تا زیاد ارزیابی شده است.

جهت تعیین مؤثرترین فرضیه از تحلیل واریانس فریدمن استفاده می‌نمایم که نتایج آن به شرح جدول زیر می‌باشد. مقدار $asympt. Sig.$ که برآوردی از احتمال بدست آوردن یک آماره مربع کای به بزرگی ۶۱/۵۲۶ با ۲ درجه آزادی در نمونه‌ها تکراری می‌باشد به شرط اینکه رتبه‌های هر فرضیه تأثیرگذار در پیشگیری از وقوع سرقت واقعاً متفاوت نباشد ۰/۰۰۰ می‌باشد. از طرفی چون رخ دادن یک مربع کای ۶۱/۵۲۶ با ۲ درجه آزادی به صورت اتفاقی غیر محتمل است، نتیجه می‌گیریم که ۳ فرضیه تأثیرگذار در پیشگیری از وقوع سرقت دارای تأثیر و ارجحیت یکسانی نیستند و رتبه و تأثیر آنها به شرح زیر می‌باشد:

جدول ۵: امتیاز و اولویت فرضیه‌ها در کاهش وقوع سرقت

رتبه	امتیاز	فرضیه
۲	۱/۸۸	تدابیر انسانی پیشگیری وضعی از جمله مراقبت‌های فردی و نگرهبانی در کاهش وقوع سرقت از اماکن در شهر کرمانشاه مؤثر است.
۱	۲/۳۷	تدابیر فیزیکی پیشگیری وضعی از جمله استفاده از تجهیزات مراقبتی مانند دوربین مداربسته و حفاظت فیزیکی در کاهش وقوع سرقت از اماکن در شهر کرمانشاه مؤثر است.
۳	۱/۷۵	تدابیر اجتماعی پیشگیری وضعی از جمله مداخله پلیس از طریق تعامل با مردم و آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم در کاهش وقوع سرقت از اماکن در شهر کرمانشاه مؤثر است.

با توجه به نتایج جدول فوق، نتیجه می‌گیریم تدابیر و موانع فیزیکی مورد استفاده در پیشگیری وضعی مؤثرتر از تدابیر انسانی و تدابیر اجتماعی است.

بحث و نتیجه گیری

آنچه مسلم است و تجربه ثابت کرده پیشگیری آسان‌تر از پیگیری و کشف سرقت است. امروزه برای حفاظت از منازل و مغازه‌ها روش‌ها و تکنیک‌ها و وسایل جدیدی در بازارها ارائه می‌شود. این اختراعات و تکنیک‌ها هر روز پیچیده‌تر شده و افزایش می‌یابد. مردم نیز بایستی با به پای این پیشرفت‌ها به فکر استفاده از ابزارها و تکنیک‌ها، جهت حفاظت از اموال و اماکن خود باشند. از طرفی آشنایی با سیستم‌های جدید حفاظتی می‌تواند در پیشگیری از این جرم و انجام اقدامات ایمنی مناسب برای حفاظت از اموال خاص مفید باشد.

نتایج تحقیق نشان داد، کسانی که منازل یا مغازه‌شان در شهر کرمانشاه مورد دستبرد سارقان قرار گرفته است، در پاسخ به فرضیه اول تاثیر مهم و بسیار زیاد استفاده و اتخاذ تدابیر انسانی - فردی مورد استفاده در پیشگیری وضعی از جمله مراقبت‌های فردی، حضور نگهبان محله و... در کاهش وقوع سرقت از اماکن را تایید نموده اند. این در حالی است که بیشتر مالباختگان از موانع انسانی و فردی استفاده نکرده و اماکن آنها مورد دستبرد سارقان قرار گرفته است. آمارها نشان می‌دهد، بیشتر مالباختگان (حدود ۷۰ درصد) معتقدند غفلت و بی توجهی در حفظ اموال تاثیر بسیار زیادی در وقوع سرقت از اموال آنها داشته است.

در بررسی فرضیه دوم مشخص شد که مالباختگان و بزه دیدگان سرقت اماکن در پاسخ به سؤال‌های این فرضیه، تاثیر مهم و بسیار زیاد استفاده از تدابیر فیزیکی مورد استفاده در پیشگیری وضعی از جمله داشتن تجهیزات مراقبتی مانند دوربین مداربسته و حفاظت فیزیکی در کاهش وقوع سرقت از اماکن را تایید نموده اند. این در حالی است که تنها ۸/۳ درصدشان از دوربین مداربسته، ۱۲/۹ درصد از دزدگیر یا آژیر خطر، ۱۶/۷ درصد از درب‌های آکاردئونی، ۱۷/۱ درصد از گاو صندوق، ۴۴/۳ درصد از قفل‌های کامپیوتری و ۲۹/۸ درصد از آیفون تصویری و چشم نامرئی در منزل یا مغازه‌شان استفاده می‌نمایند، در واقع اکثریت قربانیان نکات ایمنی را رعایت نمی‌کنند و بیشتر آنها فاقد مانع فیزیکی هستند، به طوری که ۴۱/۴ درصدشان درب‌های مستحکم ندارند، ۲۳/۳ درصد پنجره‌های آهنی ندارند، ۴۹ درصد حفاظ مناسب ندارند، ۵۸/۸ درصد قفل کامپیوتری ندارند، ۶۰/۹ درصد نرده‌کشی دیوار

ندارند، ۵۷/۹ درصد مرزبندی مناسب ندارند و ۴۹/۷ درصد نیز دید و نظارت کافی نسبت به فضای داخلی و خارجی منزل و مغازه ندارند.

در بررسی پاسخ‌های داده شده به سئوال‌های فرضیه سوم مشخص شد تدابیر اجتماعی و دولتی مورد استفاده از جمله مداخله پلیس در وضعیت پیش جنایی و طراحی محیط توسط شهرداری‌ها و... تأثیر نسبتاً زیادی در پیشگیری وضعی از وقوع سرقت از اماکن دارد. در مجموع از دیدگاه حدود ۷۱ درصد از پاسخ‌دهندگان، میزان تأثیر روش‌های هشداردهنده پلیس در کاهش و پیشگیری وضعی از وقوع سرقت در حد زیاد است. و در واقع می‌توان گفت غفلت و بی‌توجهی در حفظ اموال در حد زیادی در وقوع سرقت از آنان مؤثر بوده است.

با توجه به نظر سنجی به عمل آمده در خصوص تأثیر تدابیر پیشگیرانه وضعی بر وقوع سرقت، نتایج زیر به دست آمد:

الف) از دیدگاه بیشتر (۸۳/۱ درصد) پاسخ‌دهندگان استفاده از تدابیر انسانی پیشگیری وضعی از جمله مراقبتهای فردی و نگرهبانی و... در کاهش وقوع سرقت از اماکن در شهر کرمانشاه، تأثیر زیاد تا بسیار زیادی داشته است.

ب) از دیدگاه اکثر (۷۸/۷ درصد) پاسخ‌دهندگان، تدابیر فیزیکی پیشگیری وضعی از جمله استفاده از تجهیزات مراقبتی مانند دوربین مداربسته و حفاظت فیزیکی و... در کاهش وقوع سرقت از اماکن در شهر کرمانشاه تأثیر زیاد تا بسیار زیادی داشته است.

ج) از دیدگاه بسیاری (۶۶/۸ درصد) از پاسخ‌دهندگان تدابیر دولتی پیشگیری وضعی از جمله مداخله پلیس از طریق تعامل با مردم و آموزشهای مستقیم و غیرمستقیم در کاهش وقوع سرقت از اماکن در شهر کرمانشاه تأثیر متوسط تا زیادی داشته است.

با توجه به یافته‌های این تحقیق، نتیجه می‌گیریم تدابیر فیزیکی مورد استفاده در پیشگیری وضعی مؤثرتر از تدابیر انسانی و تدابیر دولتی است. از نظر مالباختگان مهم‌ترین عوامل وقوع سرقت از اماکن (منزل و مغازه) به ترتیب: ۱- رعایت نکردن اصول ایمنی از جمله (استفاده از قفل و بست مناسب، دزدگیر، آژیر خطر، گاو صندوق، دوربین مداربسته، نگهبان و غیره) ۲- دور بودن از گشت‌های پلیس و مراکز انتظامی ۳- دور بودن از اماکن مسکونی می‌باشد.

بنابراین، براساس یافته‌های تحقیق باید تلاش کرد از طریق برنامه‌های پیشگیرانه از جمله استفاده از تدابیر ایمنی و حفاظتی، آموزش، افزایش مهارت‌های اجتماعی، آگاه کردن مردم از شگردهای سارقان، تعامل مردم با نهادهای دولتی عدالت کیفری از جمله پلیس و تقویت نهادهای جامع وی در پیشبرد اهداف پیشگیرانه گام برداشت. از آنجایی که شناخت و آگاهی مردم از این جرم می‌تواند در پیشگیری از وقوع آن مؤثر باشد، لازم است پلیس به عنوان یکی از متولیان امر مبارزه با سرقت، کلیه روشهای جلوگیری از وقوع آن و نحوه استفاده از سیستم‌های حفاظتی جدید را به عموم مردم اطلاع رسانی نماید.

پیشنهادها

- استفاده از موانع فیزیکی، همچون استفاده از نرده، پنجره، قفل درب و دوربین‌های مدار بسته در منازل مسکونی؛
- محدود کردن ورود اشخاص به اماکن مسکونی همچون تعبیه نگهبانی و سرایداری؛
- استفاده از نگهبان محله، مراقبت توسط همسایگان و خالی نگذاشتن منزل؛
- افزایش سطح نظارت طبیعی، نورپردازی و روشنایی کافی در منازل، افزایش خطوط دید و از بین بردن خطوط کور منزل، ساماندهی فضای خالی اطراف منزل؛
- هوشیاری و کنترل نگهبانان در مجتمع‌ها و سرایداران؛
- مخفی نمودن اموال توسط مالکین، عدم حمل وجه نقد، قرار دادن اموال با ارزش در بانک؛
- مشخص نمودن اموال، استفاده از اتیکت و نشان بر اموال، مشخص کردن و ثبت اموال (عکسبرداری و فیلم برداری)؛
- بهره‌گیری از آژیرهای خطر، دوربین‌های مدار بسته، آیفون‌های تصویری، بهره‌گیری از نرده، حفاظ و ...
- استفاده از نظریه کارشناسان انتظامی در امر ساخت و ساز منازل نسبت به رعایت نکات امنیتی - انتظامی در مراحل اجرایی ساختمان و در شمار شرایط صدور جواز ساخت و پایان کار قرار گیرد.
- با توجه به روی آوردن سارقان منزل به ربودن اشیاء سبک از جمله سکه، طلا، دلار

و... نسبت به تعبیه و در نظر گرفتن صندوق امانات در بانک‌ها و مراکز دولتی اقدام گردد.

- آموزش همگانی صاحبان حرف و تأکید به رعایت اصول حفاظت فیزیکی در مورد قفل‌های مغازه‌ها، دیوارها و تأمین روشنایی داخل مغازه و در صورت لزوم استفاده از سیستم اعلام خطر؛

- سرکشی مداوم عوامل گشتی از مغازه‌های مورد هدف سارقین و تذکر رعایت اصول حفاظت فیزیکی؛

- توجه نمودن کسبه برای خودداری از حفظ و نگهداری مقادیر قابل توجهی وجه نقد در مغازه، برای جلوگیری از تحریک سارقین؛

- نصب حفاظ جلو ویتترین مغازه‌هایی که اجناس خود را جهت نمایش و جلب توجه بیشتری پشت شیشه می‌گذارند؛

- نصب و استفاده از ابزارهای الکترونیکی از قبیل دزدگیر، دوربین‌های مدار بسته و غیره در مغازه‌ها.

- بازدید دوره ای پلیس از اماکن تجاری در طول سال و تعامل با اتحادیه و صنوف سطح شهر به منظور شناسایی مغازه‌های فاقد جواز و رصد فعالیت‌های آنها.

- به منظور کنترل و نظارت بر فعالیت مجرمانه خریداران اموال مسروقه، کلیه اماکن تجاری ملزم باشند، مشخصات اسمی خریدار، فروشنده و کالای مورد معامله را ثبت و در جای مناسب ضبط و در صورت نیاز مورد بررسی قرار گیرند.

منابع

- ابراهیمی، شهرام؛ (۱۳۹۰)، جرم شناسی پیشگیری، نشر میزان جلد اول.

- افراسیابی، علی (۱۳۹۰)؛ «از طبقه بندی بزهکاران تا طبقه بندی تکنیک‌های

پیشگیری وضعی از جرم»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال ششم، شماره

بیستم، صص ۹۹-۱۲۸.

- الماسی، مجید؛ (۱۳۸۸)، پیشگیری وضعی از سرقت اموال دولتی (مطالعه

موردی سرقت کابل‌های برق شهرستان خرم آباد ۸۶-۸۵)، پایان نامه کارشناسی

ارشد دانشکده علوم و فنون انتظامی.

- بیات، بهرام؛ شرافتی پور، جعفر؛ عبدی، نرگس؛ (۱۳۸۷)، **پیشگیری از جرم بارویکرد اجتماعی**، چاپ اول، گنج دانش، تهران.

- روزنابم، دنیس، پ (۱۳۸۴) **پیشگیری از جرم**، ترجمه حمید رضا حبیبی، چاپ اول، معاونت آموزش نیروی انتظامی، تهران.

- حامد، بیتا؛ پشنگ، سپیده (۱۳۸۹) **«بررسی دلایل اقتصادی، اجتماعی و انتظامی سرقت در شهر کرمانشاه»**، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال پنجم، شماره شانزدهم. صص ۲۷-۶۲.

- دنیس، روزنابم (۱۳۸۰)؛ **پیشگیری از جرم**، ترجمه حمیدرضا حبیبی، معاونت آموزش نیروی انتظامی جمهوری اسلامی.

- رجبی پور، ابراهیم (۱۳۸۸) **«پیشگیری انتظامی شهروندمدار»**، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم، تهران، معاونت آموزش ناجا، صص ۱۵۶-۱۱۳.

- رضایی راد، مجید و همکاران (۱۳۸۸)، **«عوامل مؤثر بر کشف سرقت منزل در فرماندهی انتظامی تهران بزرگ»**، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال چهارم، شماره سوم، صص ۳۶۳-۳۸۳.

- صفاری، علی؛ (۱۳۸۰)، **«مبانی نظری پیشگیری از وقوع جرم»**، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی شماره ۳۳ و ۳۴.

- صفاری، علی؛ (۱۳۸۱)، **«انتقادات وارده بر پیشگیری وضعی از جرم»**، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۵ و ۳۶.

- فلسون، مارکوس؛ کلارک، رونالد (۱۳۸۸)؛ **«اخلاق پیشگیری وضعی از جرم»**، ترجمه مجید قورچی بیگی، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال چهارم، شماره دوازدهم، صص ۱۶۷-۱۹۹.

- قهرمانی، علی اکبر؛ کوه آرا، مسعود؛ (۱۳۸۶)، **«بررسی عوامل انتظامی مؤثر بر سرقت اماکن تجاری (مغازه) شهر شیراز»**، نشریه پلیس پیشگیری ناجا، سال دوم، شماره سوم، صص ۱۵۵-۱۶۸.

- قورچی بیگی، مجید؛ (۱۳۸۶)، «راهبردهای کاربردی (CPTED) برای پیشگیری از جرم»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال دوم، شماره پنجم، صص ۷۶-۹۹.
- کاری یو، روبر (۱۳۸۱)؛ «مداخله روانشناختی-اجتماعی زودرس پیشگیری از رفتارهای مجرمانه»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره‌های ۳۵-۳۶.
- محمد نسل، غلامرضا؛ (۱۳۸۷)، پلیس و سیاست پیشگیری از جرم، چاپ اول، دفتر تحقیقات پلیس پیشگیری ناجا، تهران.
- محمدنسل، غلامرضا؛ (۱۳۸۶) «رویکردهای پلیس برای پیشگیری از جرم»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال دوم، شماره پنجم، صص ۶۷-۹۰.
- میرخلیلی، سید محمود؛ (۱۳۸۸)، «نقش حفاظتی آماج‌ها در پیشگیری از جرم»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال چهارم، شماره دهم، صص ۶۶-۸۵.
- هانفی اردکانی، حسین؛ (۱۳۸۴)، پی جویی سرقت، چاپ اول، مؤسسه انتشارات جهان جام جم، تهران.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ (۱۳۷۸) «پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی»، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره‌گان ۲۵ و ۲۶.
- Clarke, R. V. (1997), Introduction, In: R. V. Clarke (ed.), Situational Crime Prevention: Successful Case Studies, Guilderland, NY: Harrow and Heston .
- Clarke, R. V. (1992), Introduction, In: R. V. Clarke (ed.), Situational Crime Prevention: Successful Case Studies, Albany, NY: Harrow and Heston .
- Cornish, D. B. and R. V. Clarke. (1987), Understanding Crime Displacement: An Application of Rational Choice Theory, Criminology
- Cornish, D. B. and R. V. Clarke. (2003), Opportunities, precipitators and criminal decisions: a reply to Wortleys critique of situational crime prevention, The Politics and Practice of Situational Crime Prevention. (Crime Prevention Studies, vol. 5) Monsey, NY: Criminal Justice Press .